

## پژوهشی در نحو فارسی امروز

### حروف و اقسام آن در زبان فارسی

#### ۱- گروه فعلی

مقدمه - نحو از روابط کلمات با هم گفتگو می‌کند و شامل سه مبحث عمده است : جمله (۱) ، جمله کوچک (۲) ، گروه (۳) در باره جمله و جمله کوچک (۳) (جمله‌واره) در دستور امروز (۴) و مقالات دیگر (۵) خود بحث کرده‌ام معه‌ذا یادآوری چند نکته در این زمینه مفید است :

**تعریف جمله** - جمله صورتیست از زبان که دارای آهنگی خاص و درنگی پایانی و معنایی کامل است و در ساختمان صورت زبانی وسیعتری بکار نمی‌رود .  
در زبان فارسی هم جمله‌های طولانی داریم مانند جمله‌های مرکب و جمله‌های پیوسته و هم جمله‌های کوتاه يك کلمه‌ای مانند جمله‌واژه‌ها (آری ، البته ، نه) و جمله‌های صوتی مثل آه ، افسوس ، عالی و همچنین جمله‌هایی که از يك فعل لازم تام بوجود می‌آیند مانند : رفتم ، برو ، خوابیدم و غیره .

جمله بر دو قسمت یکی جمله بسیط که از يك مسند بوجود می‌آید دیگر جمله بزرگ که بیش از يك مسند دارد و از جمله‌های کوچک تشکیل شده است .

در باره گروه نیز نگارنده مطالب بسیاری در دستور امروز نوشته است ص ۲۱ و در باره اقسام گروهها (۶) نیز در آن کتاب بحث کرده است (۷) و همچنین در مقاله کلمات مرکب و معیار تشخیص آن در مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگره ایران شناسی (۳) و یادنامه بیرونی (۴) در این باب سخنان بسیاری گفته‌است ولی در این زمینه می‌توان مطالب بیشتری نوشت و بطور مستقل و جداگانه بحث نمود .

**تعریف گروه** - گروه دو یا چند کلمه‌است که معنی کامل نداشته باشد بصورت جمله یا جمله کوچک یا کلمه مرکب در نیامده باشد و نقش یکی از کلمات و واحدهای دستوری را در کلام بازی کند و عبارت دیگر شکلی است از زبان که در ساختمان جمله یا جمله کوچک بکار رفته

\* آقای دکتر خسرو فرشید ورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر

باشد و کلمات داخل آن هر يك دارای تکیه خاص خود باشد مانند کتاب هوشنك (گروه اسمی). به منظور اینکه (گروه پیوندی)، بسیار بزرگ (گروه وصفی) بزرگتر از من در جمله هائی از قبیل: کتاب هوشنك را خواندم، به مدرسه رفتم به منظور اینکه درس بخوانم، او کار بسیار بزرگی کرد، فریدون بزرگتر از فرهاد است، در حالی که «گلاب» و «تخم مرغ» با آنکه از دو کلمه بوجود آمده اند کلمه مرکبند نه گروه و «هوشنك آمد» نیز که از دو کلمه تشکیل شده است جمله است نه گروه و اگر «تویائی» که از سه کلمه ساخته شده است جمله کوچکیست نه گروه.

تکیه گروه با تکیه کلمات مرکب تفاوت دارد به این معنی که هر يك از کلمات گروه دارای تکیه خاص خود یعنی تکیه يك کلمه مستقلند. مثلاً «تخم مرغ» اگر به صورت گروه تلفظ شود، هجای آخر «تخم» در آن تکیه دار است زیرا مرکب نشده است اما اگر بعنوان کلمه مرکب تلفظ گردد هجای یاد شده بدون تکیه است. بنابر این یکی از نشانه های گروه استقلال کلمات آنست که موجب میشود هر کدام تکیه خاصی داشته باشند یعنی هر يك دارای تکیه کلمه مستقل باشند. یکی از کارهای لازم برای زبان فارسی پژوهشی در باره تکیه کلمات و هجاهای گروه هاست.

از آنجائیکه هر گروهی نقش یکی از اقسام کلمه را در جمله بازی میکند به تعداد اقسام کلمه میتوان گروه داشت از قبیل گروه اسمی، گروه وصفی، گروه قیدی، گروه فعلی، گروه پیوندی، گروه صوتی و گروه وابسته ساز (گروهی که وظیفه وابسته ساز و حرف اضافه را به عهده دارد).

گفتیم گروه نمی تواند جمله باشد بلکه حد واسطیست بین جمله و کلمه ولی گروه فعلی از این حکم مستثنی است زیرا گاهی جمله میشود و آن هنگامیست که مسندالیه فعل آن کلمه جداگانه ای نباشد. سبب این امر اینست که فعل مهمترین رکن جمله است و گاهی خود عین آنست و گروه فعلی نیز خود چیزی جز فعل و وابسته های آن نیست یعنی عبارتست از فعل به اضافه قید و متمم و مکمل (پردازه) به گفته دیگر جمله ایست که مسندالیه ندارد. حال اگر در جمله ای مسندالیه نیز در فعل متمرکز باشد آن جمله چیزی نیست جز فعل و وابسته های آن یعنی جمله در این حال همان گروه فعلیست مانند «اورادیدم» «به خانه رفتم» که «اورا» و «به خانه» وابسته های فعلند و «دیدم» و «رفتم» فعل و مسندالیه اند که در يك کلمه متمرکز شده اند.

در اینجا لازمست جمله بزرگ و جمله کوچک یا جمله واژه را نیز تعریف کنیم تا بحث ما کاملتر گردد.

جمله کوچک یا جمله واژه واحدیست از زبان که فقط يك مسند دارد بدون آنکه دارای آهنگ جمله باشد و در ساختمان نوعی جمله به نام جمله بزرگ (۸) بکار رود. بنابر این جمله کوچک بجملة بسیط شباهت دارد با این تفاوت که اولاً آهنگ آنها با هم متفاوتست. ثانیاً جمله بسیط در ساختمان جمله دیگری بکار نمیرود.

جمله بزرگ بر دو قسمت: جمله مرکب و جمله پیوسته. جمله مرکب از جمله های کوچک و پیوند وابستگی (اگر، که، اگر چه، زیرا، ...) بوجود می آید. جمله پیوسته از جمله های کوچک و پیوند های همیائیگی (و، یا هم، ...) هم و غیره) تشکیل میشود.

ساختمان گروه (۹) - گروه از لحاظ ساختمان اقسامی دارد که عبارتند از:

۱- گروه های برون هسته ای (۱۰) - هسته این گروهها در خارج از آنها قرار دارد نه در داخلشان گروه های برون هسته ای با حرف اضافه ساخته میشوند به این سبب آنها را گروه های حرف اضافی (۱۱) هم می نامند مانند: «درخانه»، «با قلم»، «به مدرسه» (گروه های قیدی برون هسته ای)، «بوسیله» و «بعلت»، (گروه های وابسته ساز برون هسته ای)، «به منظور اینکه»، «برای اینکه»، «به سبب اینکه» (گروه های پیوندی برون هسته ای) بنابر این این واحدها

بیشتر در میان گروههای قیدی و وابسته ساز و پیوندی دیده می‌شوند .

۲ - گروههای درون هسته‌ای ( ۱۲ ) که هسته آنها در داخلشان قرار دارد مانند « کتاب من » یا « کتاب سبز » که « کتاب » در هر دو مثال هسته است و در داخل گروه قرار دارد و « من » و « سبز » وابسته است .

گروههای درون هسته‌ای خود بر دو قسمت : گروههای يك هسته‌ای یا يك مرکزی یا گروههای وابستگی ( ۱۳ ) و دیگر گروههای چند هسته‌ای ( ۱۴ ) یا چند مرکزی یا گروه های همسانی .

گروههای يك هسته‌ای یا وابستگی - این گروهها از هسته و وابسته تشکیل می‌شوند مانند « این کتاب » ، « سه کتاب » و « چهار کتاب علمی » که « کتاب » در همه گروههای پیشگفته هسته و این و سه و چهار و علمی وابسته‌اند. از اقسام این گروهها آنهاییست که وابسته آنها جمله كوچك ( جمله وارده ) است مانند مردی که دیروز می‌خندید که « دیروز می‌خندید » جمله كوچك و وابسته « مردی » است .

هسته و وابسته گروهها هر يك محذرت پیشین یا پسین باشند مثال برای هسته پیشین و وابسته پسین : « کتاب من » ، « کتاب سفید » و مثال برای وابسته پیشین و هسته پسین « این کتاب » و « سه کتاب » .

گروههای چند هسته‌ای یا چند مرکزی - این گروهها از دو یا چند هسته همسان و موازی بوجود می‌آیند یعنی از واژه‌ها و واحدهائی تشکیل می‌شوند که به صورت هسته و وابسته نیستند بلکه به شکل همپایه و همنقشند . مانند : « کتاب و دفتر » ، « کتاب این دوست بی‌آزار » . این گروهها در فارسی خود بر چهار ( ۱۵ ) قسمتند :

۱ - گروههای همپایگی یا همپایه هسته یعنی آنهایی که با پیوندهای همپایگی می‌آیند ( و ، یا ، هم ... هم ) ، و غیره ) مانند « فرهاد و پری » .

۲ - گروههای بدلی یعنی آنهایی که از بدل دارو بدل تشکیل می‌شوند مانند « هوشناک برادر من » .

۳ - گروههای تاکیدی یعنی گروههایی که از موکد ( بد فتح کاف ) و مؤکد ( به کسر کاف ) بوجود می‌آیند مانند ، فریدون فریدون ، اگر چنانچه ، پس بنا بر این . تأکید در زمانهای دیگر و در بعضی از دستورهای ما جزء بدل گرفته شده است ( ۱۶ ) .

۴ - گروههای ناهمگون یعنی آنهایی که از دو عنصر ناهمسان ساخته شده‌اند که یکی دیگری را تأکید می‌کند یا توضیح می‌دهد بنا بر این این قسم نیز مانند قسم پیشین است با این تفاوت که موکد و موکد از يك جنس نیستند ، مثل : اگر که ، مگر که . مگر اینکه ، یا اینکه ، چونکه ، مثلا « اینکه » و « یا » تناسبی با هم هم ندارند معنای یکی برای تأکید و تقویت دیگری بکار رفته است .

گروه از لحاظ ساختمانی ولی از جهات دیگر اقسامی دارد از قبیل :

گروه گسته و گروه پیوسته - اگر کلمات گروه به دنبال هم و بی فاصله از یکدیگر بیایند گروه را پیوسته می‌نامیم . مانند « بدعلت اینکه » ( گروه پیوندی ) ، کوه بلند ( گروه اسمی ) ، مردی که به تهران رفت ( گروه اسمی ) ولی اگر بین کلمات گروه فاصله‌ای بیفتد گروه را گسته می‌خوانیم مانند « یا . . . یا » ، « به . . . اندر » و « گاهی . . . گاهی » در عباراتی نظیر یا بیا یا برو ، به شکر اندر ، گاهی می‌آید گاهی می‌رود .

بعضی از گروهها همیشه گسته‌اند مانند « یا . . . یا » و بعضی همواره پیوسته‌اند مانند بوسیله و بعلمت و بعضی گاهی پیوسته‌اند و گاهی گسته‌اند مانند گروههای اسمی اضافی در نمونه‌هایی مثل : کتاب من که میشود کتاب سبز من و بین مضاف و مضاف الیه فاصله می‌افتد . اینگونه گروهها از گروههای لغزان بشمار می‌روند .

گروه پایدار و گروه لغزان - گروههایی که جای اجزاء آن پس و پیش نمیشود و تغییر

نمی‌کند گروه پایدار نام دارد مانند گروههای اسمی که امروز از بعضی صفات مبهم (چنین، چنان، اینهمه و غیره) و اسم بوجود می‌آیند. مثال: چنین کاری، این همه کار که امروز نمی‌توان گفت کاری چنین، یا کار این همه.

ولی در مقابل گروههایی هستند که صورت ثابتی ندارند و جای اجزاء آن تغییر می‌کند اینها گروه لغزان نامیده می‌شوند مانند گروههایی که از صفت تفصیلی و متمم آن بوجود می‌آیند. این گروهها به صورتهای مختلفی به کار می‌روند مانند «بهرتر از شما»، «از شما بهتر» «بهرتر... از شما» (او بهتر از شماست).

گروههایی که گاهی پیوسته‌اند و گاهی گسسته از این دسته‌اند مانند او مردی عاقل و بزرگوار است زیرا گروه وصفی «عاقل و بزرگوار» به صورت گسسته هم بکار می‌رود: مانند او مردی عاقل است و بزرگوار:

**یادآوری** - گروهها در آثار قدیم لغزاتر از حالا بوده‌اند و امروز این لغزندگی کمتر از گذشته است مثلاً در قدیم صفت بیانی به آسانی از موصوف آن جدا می‌شده و یا قبل از موصوف می‌آمده است مانند «ابلهی را دیدم سمین» (سعدی) و یا «فریبنده ماه» در حالی که امروز چنین نیست بنا بر این تبدیل گروههای لغزان به گروههای ثابت و پایدار یکی از قواعد مهم تحول زبان فارسیست.

**گروه کوچک و گروه بزرگ** - گروهی که در داخل خود گروه دیگری داشته باشد آنرا گروه بزرگ می‌گویند مانند «آن دو مرد بیخبر از همه جا» که بر روی هم یک گروه بزرگ اسمی است زیرا در داخل آن گروه «بیخبر از همه جا» وجود دارد و گروه اخیر نیز خود گروه بزرگست زیرا در داخل آن گروه اسمی «همه جا» دیده میشود. بنا بر این گروه بزرگ در مواردی تشکیل میشود که اجزاء آن (اسم، قید، صفت یا جمله کوچک) خود وابسته‌ها یا همسانهایی داشته باشد. گروه کوچک آنست که در داخل آن گروه دیگری نباشد مانند «کتاب سبز»، «خانه‌ها»، «هوشنگ و فریدون».

گروههایی که از جمله کوچک چند کلمه‌ای بوجود می‌آیند غالباً از گروههای بزرگند مانند «وقتی که تو به اینجا آمدی» که «تو به اینجا آمدی» جمله کوچک (جمله وار) در حکم یک کلمه است.

**گروه جمله** - گروه جمله آنست که یکی از اجزاء آن جمله کوچک (جمله وار) باشد مانند گروههایی که صفت یا مضاف‌الیه یا بدل آنها جمله کوچک است مثلاً: «مردی که دیروز می‌خندید» که «دیروز می‌خندید» جمله کوچک و صفت است برای مردی (یعنی مرد خندان) یا مانند «وقتی که به آنجا رفتم» که «به آنجا رفتم» جمله کوچک و در حکم مضاف‌الیه برای «وقتی» است یعنی وقت رفتن من به آنجا.

**گروه فشرده یا کوتاه** - اگر یکی یا بعضی از اجزاء گروه حذف شود گروه کوتاه بوجود می‌آید مانند «بوسيله» و «وقتی که» که گاهی میشوند «وسيله» و «وقتی»، مثل «کتاب را وسيله پست فرستادم» یا «وقتی تو آمدی من رفته بودم».

گروههای کوتاه در میان گروههای قیدی، پیوندی و وابسته ساز و فعلی فراوانند مانند غذا خوردن، لباس پوشیدن، خانه نشستن به جای غذا خوردن، لباس را پوشیدن، در خانه نشستن و آنجا به جای در آنجا (آنجا نشستن = در آنجا نشستن).

بعضی از گروههای کوتاه بقدری متداول شده‌اند که صورت اصلی آن فراموش گردیده است. مانند پیش، جلو، عقب، نزدیک، وقتی که گروه وابسته ساز یا پیوندی و شاید در اصل در پیش، در جلو بنزدیک و غیره بوده‌اند و هم چنین است بیشتر قیدهای مکان و زمان.

بنابراین اینگونه گروههای کوتاه که صورت عادی آنها دیگر وجود ندارد گروههایی هستند که به قرینه گروههای کوتاه دیگر بوجود آمده‌اند.

ممکنست گروههای کوتاه تبدیل به کلمه مرکب شوند مانند «پاشدن» که تبدیل شده است به «پاشدن» و «بیادش آمد» که شده است «یادش آمد» .  
مانده دارد

- ۱- فرانسه Proposition و انگلیسی Clause  
۲- فرانسوی Phrase و انگلیسی Semtenae  
۳- فرانسوی Locution انگلیسی Phrse
- ۲- اصطلاح جمله کوچک مقتبس از «جمله‌فردی، عربیست که معنی آن با انگلیسی تا حدی منطبق است» - به باب جمله در دستور امروز ص ۱۵ و ۲۶۸ و به مبحث پیوند در همان کتاب (ص ۱۷۸ تا ۲۲۹) نگاه کنید .  
۵- این مقالات عبارتند از :
- ۱- ساختمان جمله فعلی و تحول آن در زبان فارسی ، مجله دانشکده ادبیات اصفهان سال هفتم و هشتم ص ۲۵ تا ۲۹۹- ساختمان جمله درالفهم ابوریحان ، یادنامه ابوریحان بیرونی از انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر ص ۴۲۷ تا ۵۱۱ ، ساختمان جمله بی‌فعل و تحول آن ، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی ، شماره اول سال دهم، بهار ۱۳۵۳- ساختمان جمله فعلی بسیط فعلی درفارسی امروزه ، جزوه درسی برای دانشگاه تهران ، اردیبهشت ۱۳۵۵- این جزوه نیز بزودی چاپ خواهد شد .
- ۶- اصطلاح گروه وا نخستین بار نگارنده به معنی کنونی آن بکار برد (در جزوه پیوند مهر ۱۳۴۴ انتشارات وحید) و سپس آقای دکتر باطنی نیز آن را به همین معنی در کتاب توصیف ساختمان دستوری فارسی ، استعمال و رایج کرد . ۷- درباره گروه اسمی ص ۱۱۳ ، گروه وصفی ص ۸۰ ، گروه قیدی ص ۱۶۸ ، گروه پیوند ص ۲۰۹ ، ص ۱۶۹ به بعد ، ص ۴۳۲ تا ۴۴۹
- ۸- اصطلاح «جمله بزرگ» مقتبس از «جمله‌گیرای» عربیست که بر جمله‌های مرکب و پیوسته زبان ما منطبق است .
- ۹- در نوشتن مطالب ذیل این عنوان ( ترازو کوچک و گروه بزرگ) از ص ۹۲ و ۹۳ این کتاب بهره جستیم : Walter تالیف Introduction to Tagmemic Analysis  
۱۹۶۹ سال University Georyetwun از نشریات A. Cook, S.J.
- ما از این به بعد این کتاب را «تاکمیک» می‌گوئیم . دو اصطلاح «درون هسته‌ای» و «برون هسته‌ای» نیز که در این مبحث آمده است بوسیله دکتر باطنی بکار رفته (در کتاب زبان و زبانشناسی)
- 10- Exolentric Phrase  
11- Prepositional Phrase  
12- Endocentric Phrase  
13- Modifier HEAD Phrase  
14- Multiple HED Phrase
- ۱۵- در انگلیسی این گروهها را بر دو قسم کرده‌اند یکی گروههای همپایگی دیگر گروههای بدلی . به کتاب تاکمیک ص ۹۳ رجوع کنید - ۱۶ دستور زبان فارسی ، از دکتر خیامپور ص ۳۹ چاپ پنجم .